

خودباختگی و خودباوری

از دیدگاه امام خمینی (ره)

حسن محمدی

مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخ پرفراز و نشیب ایران در یک صد سال اخیر بیانگر این واقعیت است که بیگانگان همواره به این کشور طمع داشته‌اند. استعمارگران در طول این مدت برای رسیدن به اهداف خود زمانی از طریق حمله‌های نظامی و زمانی از طریق بستن قراردادهای ظالمانه به غارت این سرزمین پرداختند، اما از همه مهمتر و خطرناکتر تهاجم فرهنگی و نابودی اعتقادات دینی این ملت بوده است. تجربه قدرتهای استعماری آنها را به این نتیجه رساند که دخالت مستقیم در کشورهای تحت نفوذ خسارات و پیامدهای سنگینی از جمله تحمل هزینه‌های مادی، از دست دادن نیروی انسانی، اعتراضهای بین‌المللی و به وجود آمدن قیامهای مردمی بدنبال دارد. بنابراین شیوه دخالت از مستقیم به غیرمستقیم و از

لشکرکشیهای نظامی به مبارزه فرهنگی تغییر یافت و در واقع استعمار نو جایگزین استعمار کهنه شد. در این شیوه اهداف دشمن مراکز نظامی، اقتصادی یا نیروگاههای صنعتی نبود بلکه نقشه اصلی تهی سازی جامعه از درون از طریق نابودی فرهنگ اصیل اسلامی و ملی و ایجاد نوعی از خودباختگی از طریق ترویج فرهنگ استعماری بود.

از سوی دیگر نقش روشنگر رهبران جامعه و علمای دین در مقابله با این توطئهها واقعیتی است، انکارناپذیر، که به گواهی تاریخ، امام خمینی (ره) به عنوان پرچمدار مبارزه با استعمار در قرن اخیر شخصیتی بی نظیر و استثنایی است.

هدف از این مقاله بررسی علل و عوامل خودباختگی و خودباوری از دیدگاه آن رهبر عظیم الشان می باشد.

خودباختگی

خودباختگی حالتی است روانی که باعث عدم باور شخص به توانیها و استعدادهاى خود می شود. این پدیده در شکل اجتماعی آن باعث عقب ماندگی و سقوط یک کشور می گردد و ممکن است بر اثر عوامل مختلفی به وجود آید که مهمترین آنها به نظر امام (ره) عبارتند از:

۱. وابستگی در فرهنگ و تعلیم و تربیت

«این وابستگی بسیار اسفناک است، وابستگی نظامی را یک روز یا یک ماه می شود رفعش کرد بیرونشان کرد، وابستگی اقتصادی قابل جبران است و زود می شود جبران کرد، اما وابستگی روحی و انسانی است که بسیار مشکل است یک بچه کوچک را از آن بچه کوچکی که بوده در دامن مادرش و تا رفته است به دبستان تا رفته است به دبیرستان تا رفته است به دانشگاه و هر جا رفته تبلیغات جویری بوده است که این را وابسته بار آورده و اعتقادش این شده که به غیر ارتباط با خارج نمی شود کاری کرد. خودمان چیزی نداریم.»^۱

تعلیم و تربیت در اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که بسیاری از محققان، قرآن، معجزه جاوید پیامبر (ص)، را از ریشه قراء به معنی خواندن می گیرند. خواندن ستون اصلی آموزش و پرورش و مورد تأکید تعلیمات اسلامی است. اولین آیه ای که بر پیامبر نازل شد «اقرا باسم ربک الذی خلق» بود. پیامبر نیز همواره اصحاب خویش را به حفظ و خواندن قرآن توصیه می کرد. در ادامه آیه خداوند می فرماید: «الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم

یعلم» که علاوه بر خواندن به تعلیم اشاره دارد و از قلم [مظهر] سواد و نوشتن یاد شده است.^۱

از سوی دیگر آیات فراوانی همراه با تعلیم، تزکیه ذکر کرده که بیانگر اهمیت علم و تقوا در کنار هم می‌باشد، در سوره جمعه آیه ۲ آمده است:

«هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آباءه ویزکیهم وبعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین؛ اوست خدایی که از میان اعراب درس نخوانده پیامبری را برانگیخت تا آیات او را بر آنها بخواند و آنها را از آلودگی‌ها پاک گرداند و به آنها کتاب و حکمت را تعلیم دهد هرچند در گذشته در گمراهی آشکار بسر می‌بردند.»

نکته مهمی که در آیه فوق وجود دارد و در واقع یکی از اهداف تربیتی در اسلام بشمار می‌رود، تعلیم حکمت از سوی انبیاء می‌باشد.

کلمه حکمت به معنی سخن منطقی یا معرفت حقیقی است. و آموزش سخن منطقی از نظر تربیتی اهمیت زیادی دارد. آموزش حکمت در یک نظام آموزشی باعث ایجاد و پرورش روحیه انتقادی قضاوت منطقی، حقیقت‌جویی، و آزاداندیشی در افرادی می‌شود و در نتیجه استعدادها و توانایی‌های فردی و اجتماعی را شکوفا می‌سازد.

نگاهی اجمالی به تاریخ اندیشمندان مسلمان نشانگر این واقعیت است که نظام تعلیم و تربیت اسلام مهد پرورش دانشمندان بزرگ در رشته‌های مختلف علم بوده است. از ابن مفضل‌ها و جابر بن حیان‌ها گرفته تا فارابی و ابن سینا و ابن خلدون و ملاصدرا همگی در فرهنگ اسلامی به رشد و بالندگی رسیده‌اند. نکته حایز اهمیت وجود رابطه مستقیم بین نظام تعلیم و تربیت و سرنوشت جامعه است، به همان میزان که تعلیم و تربیت در صورت ایفای نقش واقعی خود می‌تواند برای جامعه مفید باشد در صورت انحراف از مسیر خود خسارات جبران‌ناپذیری برای یک ملت ببار می‌آورد، به همین علت در رژیم گذشته دشمنان سعی کرده‌اند از راههای مختلف در این مرکز نفوذ کنند که مهمترین این راهها عبارتند از:

⊞ الف. ایجاد مدارس آموزشی - تربیتی در داخل کشور توسط بیگانگان، این کار در مراحل اولیه توسط مسیونرهای مذهبی آغاز شد (اولین مدرسه از این نوع در سال ۱۲۱۲ ه. ش. در ارومیه تأسیس شد) ولی به تدریج مسیونرهای لائیک و انجمنهای فرهنگی وابسته به مجامع و محافل علمی - سیاسی دنیای غرب به این روند تداوم بخشیدند.

۱. شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، سپهر، ص ۱۴۸.

□ ب. اعزام دانشجویان به کشورهای غربی. معمولاً فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های غرب همراه با بازگشت خود بخش وسیعی از نظام ارزشی غرب به عنوان سوغات تمدن به کشور منتقل می‌کردند.

□ ج. از طریق تأسیس مدارس و مؤسسات آموزشی جدید در سطوح ابتدایی و متوسطه به وسیله تربیت‌شدگان یا شیفتگان نظام آموزشی غرب با اقتباس از الگوهای مشابه^۱.
امام در این باره می‌فرماید:

«این معنا که با تبلیغات به ما تحمیل شده است، تبلیغات دامنه‌داری که در چند قرن کردند و اخیراً زیاد شده است به ما تحمیل شده است که خودتان هیچ چیز نیستید و هر چه هست آن شرق و غرب است به جوانهای ما این را تحمیل کردند. الان خودشان خودشان نیستند مغز اینها شده یک مغز یا شرقی یا غربی بیش از این نمی‌تواند ادراک کنند، نمی‌توانند بفهمند که ما هم خودمان کشوری هستیم، ما هم خودمان باید استقلال داشته باشیم و ما خودمان هم باید فرهنگی داشته باشیم و فرهنگ ما غنی است. نمی‌توانند اینها ادراک کنند و این برای این است که اینقدر، از بچه اینقدری که توی جامعه است و در ظرف این پنجاه سال و پنجاه و چند سالی که ما شاهدش بودیم این بچه کوچک تا آن آخر عمر تمام تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت خارجی بوده، فرهنگ از خودمان نبوده است. تعلیم و تربیت این بوده، وابستگی بوده. مغزهای این بچه‌های ما را از کوچکی وابسته تربیت کرده‌اند تا رسیده‌اند به جوانها که حالا می‌بینید که همین جوانها نمی‌توانند تفکر کنند که ما خودمان آدمیم، می‌گویند حتماً باید یا وابسته به مثلاً فلان مملکت باشیم یا وابسته به فلان مملکت»^۲

۲. مایوس شدن مسلمانان از خود بر اثر تبلیغات دشمن

یکی از عوامل مهمی که باعث می‌شود ملتی به سوی پیشرفت و ترقی گام بردارد و داشتن روحیه امید و باور کردن استعدادها و توانایی‌های خود است و در مقابل حاکم شدن روحیه یأس و خودکم‌بینی بر ملتی باعث می‌شود با وجود بهترین امکانات و توانایی‌ها از پیشرفت و ترقی محروم بمانند. به این اساس یکی از اصول دشمن در تبلیغات همواره القاء روحیه یأس و ناامیدی به مسلمانان بوده است و امام (ره) همیشه این مهم را به مسلمین جهان گوشزد

۱. حاضری، علی‌محمد، روند اعزام دانشجویان در ایران، ص ۴.

۲. تبیان، دفتر بیست و ششم، ص ۱۵.

می‌کردند که هرگز تحت تأثیر تبلیغات دشمن یأس به خود راه ندهید. از جمله می‌فرماید:

«الحمد لله مسلمین هم عده‌شان قریب به یک میلیارد است و هم ممالکشان یک ممالکی است غنی و ثروتمند و هم افرادشان افراد لایق، لکن آنهایی که می‌خواهند در این ممالک حکومت کنند به واسطه تبلیغات سویی که در طول چند صدسال تقریباً کرده‌اند و نفوذی که در دانشگاهها در جاهایی که مرکز تربیت ایفاء مسلمین است کرده‌اند، مسلمین را طوری کرده‌اند که از خودشان مأیوس شدند، یعنی خودشان را گم کردند، و باید مسلمین جدیت کنند مجد خودشان را پیدا کنند.»^۱

۳. سلب اعتماد جوانان

از اهداف مهم استعمار در کشورها زیرسلطه همواره از بین بردن اعتماد و اطمینان جوانان نسبت به کشور خود بوده است. آنگاه که جوانان یک کشور نسبت به خود اعتماد نداشته باشند. درمان دردهای خود را در خارج از مرزهای کشور جستجو می‌کنند و چشم امیدشان به بیگانگان دوخته است. یکی از محورهای مهم تبلیغات دشمن همین مسأله است:

چیزی که دقیقاً خواسته دشمنان است. تبلیغات دامنه‌داری برای ترقیاتی که در غرب هست که جوانهای ما را غریزه کنند، اعتماد به کشور خودشان را از آنها بگیرند، اینها دیگر انکال به خودشان نداشته باشند هر صحبتی که می‌شود صحبت از غرب پیش بیاید خیابانها را به اسم آنها بکنند جوری تربیت کنند این ملت را که خودش را بیازد و خودش را از دست بدهد. به جای آن یک آدم غربی بنشیند یک آدم اسلامی شرقی که باید متکی به خودش باشد متکی به مکتب خودش باشد این را شستشو کنند. شستشوی مغزی به اصطلاح بکنند و به جای یک آدم شرقی یک آدم غربی در دست بکنند که هرچه صحبت بکنند از آنها. گوینده‌هایشان بگویند که ما همه چیزمان را انگلیسی می‌سازد ما اگر بخواهیم به تمدن برسیم همه چیزمان باید انگلیسی باشد.»^۲

۴. احساس بی‌هویتی

اصولاً در هر جامعه افراد از نظر احساس هویت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

□ الف. گروهی که به هویت خویش پی برده و پیروی از فرهنگ و آداب و رسوم جامعه را

۱. زمینه‌ها و علل خودباختگی، ص ۵

۲. همان، ص ۴۲

باعث سربلندی و افتخار خود می‌دانند.

□ ب. گروهی که احساس حقارت و خودکم‌بینی و بی‌هویتی دارند و تلاش می‌کنند به نحوی این احساس کمبود را از راه‌های مختلف از جمله بریدن از فرهنگ خودی و روی آوردن به دامن بیگانه جبران کنند و تمام هم‌آنان این است آن‌طور رفتار و فکر کنند که مورد پسند بیگانه باشد.

امام (ره) می‌فرماید:

ما این آقایان که می‌روند سراغ اینکه ببینیم چطور یک چیزی باشد پسند غرب باشد، پسند غرب این است که ما همه چیزمان را تقدیمشان کنیم و بی‌چون و چرا، این پسند غرب است. اگر آقایان این را می‌خواهند این پسند ملت ما نیست و اگر آقایان یک چیزی خیال می‌کنند که در غرب خبری است. بدانند که در غرب خبری نیست جز جنایت، جز خیانت. من ملتشان را نمی‌گویم - این دولتها - که الان «غرب» یعنی «دولت‌هایشان»^۱

۵. مرعوب شدن در مقابل پیشرفتهای غرب

از دیگر عوامل خودباختگی به نظر امام (ره) مرعوب شدن در مقابل پیشرفت علمی و صنعتی کشورهای استعمارگر می‌باشد امام در این باره می‌فرماید: «فکر کردند راه پیشرفت صنعتی این است که قوانین و عقاید خود را کنار بگذارند، رفتن به کوره‌ماه چه ربطی دارد به قوانین اسلامی مگر نمی‌بینید که کشورهای با قوانین و نظامات اجتماعی متضاد توانسته‌اند در پیشرفت صنعتی و علمی و تسخیر فضا با هم رقابت کنند و با هم پیش بروند».^۲

۶. تبلیغات وسیع

تبلیغات به عنوان یکی از ابزار قدرت و یکی از ارکان مهم سیاست در کنار تسلیحات و اطلاعات همواره مورد نظر حاکمان و سیاستمداران خودکامه بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام اسلامی دشمنان اسلام و انقلاب با استفاده از تبلیغات مسموم به مقابله با انقلاب اسلامی پرداختند و در این راه از هیچ‌گونه دروغ و تهمت و تحریف کوتاهی نکردند.

۱. همان، ص ۲۱

۲. تبیان، دفتر بیست و ششم، ص ۴

امام (ره) در فرازی از وصیتنامه می فرماید:

«ما اکنون در این زمان که دست ابرقدرتها از کشور خود کوتاه کردیم مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم، چه دروغها و تهمت‌ها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرتها به این جمهوری نوپا زده و نمی‌زنند مع‌الاسف اکثر دولتهای منطقه اسلامی که به حکم اسلام باید دست اخوت به ما بدهند به عداوت با ما و اسلام برخاسته‌اند و همه در خدمت جهان‌خواران از هر طرف به ما هجوم آورده‌اند و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد...»^۱

در جای دیگر می فرماید:

این را باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم، که ما هستیم در دنیا، که شرق هم یک جایی است، همه‌اش غربی نیست، شرق هم یک جایی است که خزائنش بیشتر از همه‌جا و متفکرینش بیشتر از همه‌جا بوده است. تا آن‌که وقتی که ما را اسیر کردند. طب از شرق رفته به غرب، تمدن از شرق رفته به غرب لکن مع‌الاسف قضایا چه شده است و دسته‌بندی‌ها چه جور بوده و تبلیغات چه بوده است که ما را عقب زدند به طوری که ما خودمان را هیچ می‌دانیم.^۲

آنچه در زمینه تبلیغات استعمار حایز اهمیت است علاوه بر پوشش فراگیر و جهانی استفاده از کارترین ابزار و مؤثرین شیوه‌های ارسال پیام از طریق بکارگیری علمی چون جامعه‌شناسی و روانشناسی است. در اینجا به توضیح مختصر یکی از این روشها معروف به روش شرطی پرداخته می‌شود.

روش شرطی^۳

تبلیغات با استفاده از روش شرطی که ریشه در نظریه پاولوف روانشناس معروف روسی دارد یکی از رایجترین و مؤثرین روشهای تبلیغی استعمار است. در این روش پیام به یک عامل نامربوط مشروط می‌شود و به وسیله شرط نامربوط در جامعه تنفیذ می‌گردد. ربط دادن مسائلی از قبیل نوع پوشش، آرایش بدن، استفاده از وسیله نقلیه خاص با

۱. وصیتنامه الهی، سیاسی امام خمینی

۲. تبیان، دفتر بیست و ششم، ص ۴۵

۳. ذوق، محمدحسن، مبانی تبلیغ، ص ۱۳۵

پیشرفت در علم و صنعت که هیچگونه ارتباط منطقی بین آنها وجود ندارد از نوع تبلیغات شرطی است.

با تبلیغات شرطی نه تنها آداب و رسوم و فرهنگ و زبان یک ملت مورد تحقیر قرار می‌گیرد بلکه با تکرار مداوم روشهای القائی حتی استعمال مواد مخدر به عنوان مظهر زندگی روشنفکری و علامت فهم و شعور برتر اجتماعی در برخی کشورهای استعمار زده تلقی می‌شود. تبلیغات شرطی حتی توانسته است الگوی مصرف در جوامع تحت نفوذ تغییر دهد. و مصرف کالاها و خدماتی که به نفع کارخانجات و کمپانی‌های دلخواه است تعیین کند.

«امروز در کشورهای زیر سلطه شیوه آرایش، نحوه سلوک اجتماعی، شکل شهرسازی و غیره تحت تأثیر تبلیغات شرطی است. حتی آداب و رسوم اجتماعی نیز در اثر تبلیغات شرطی متحول شده است. استفاده از پوشش اسلامی در کشورهای آسیایی و آفریقایی وسیله‌ای مشروع و قانونی برای دفاع از استقلال و سلامت خانواده‌هاست ولی همین وسیله مشروع به عنوان یک شرط نامربوط به وسیله تحقیر اجتماعی افراد مؤمن قلمداد می‌شود و با تکرار سوژه‌های منفی در چهره پوشش اسلامی جامعه را شرطی می‌کنند به گونه‌ای که هرگاه زنی با حجاب دیده شود از پیش دربارهٔ بیسواد بودنش داوری شده است. و از سوی دیگر زن بی‌بندوبار نوعاً به عنوان فرد روشنفکر و با سواد تحت پوشش حمایتی تبلیغات شرطی قرار گرفته است.»

امام (ره) در این باره می‌فرماید:

یکی از امور دیگری هم که باز من گفته‌ام این است که ما را جواری بار آورده‌اند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان یک نفر خانم اگر سر تا پایش فرنگی مآب است. این معلوم می‌شود خیلی عالیمقام است و اگر چنانچه مثل سایر مسلمانهاست، این خیلی عقب افتاده است. عقب افتادگی و جلورفتن را به این می‌دانستند که فرنگی مآب باشد فرم کفشش چه جور باشد، یا مثلاً هرچه که در خارج می‌آید، صرف بکند. مصرفی بار آوردند ما را، برای همین جهت ما را مصرفی بار آورده‌اند. امثال تقی‌زاده که در این ایران یک وقتی قدرت داشته‌اند، تقی‌زاده گفته بود که ما باید سر تا پامان انگلیسی باشد یا فرنگی باشد باید این طور باشیم تا آدم بشویم. آدم بودن را به کلاه و کفش و لباس بزرک و امثال ذالک می‌دانستند. و آن چیزی که تعلیمات انبیاء بود که انسان را با تقوا، قدرت تقوا، قدرت انسانیت، با علم با عمل، آنها را اینطور می‌دانستند، میزان انسانیت را تقوا و علم می‌دانستند

اینها به جوری کرده بودند که بین ماها این طور، بین خودشان اینجور نیست، بین ماها اینطور جلوه داده بودند که آدم اگر بخواهد پیشرفته باشد - زبان - و حرف می زند به حرف خود مادریش نزند، وقتی حرف می زند در هر چند کلمه دو تا سه کلمه انگلیسی هم باشد.^۱

راههای رسیدن به خودباوری

۱. تحول فرهنگی

اولین و ضروری ترین گام در راهیابی از خودباختگی و رسیدن به خودباوری دگرگونی و تحول در فرهنگ جامعه است.

امام (ره) می فرماید:

بزرگترین تحول که باید بشود در فرهنگ باید بشود برای اینکه بزرگترین مؤسسه ای است که ملت را یا به تباهی می کشد و یا به اوج عظمت و قدرت می کشد. برنامه های فرهنگی تحول لازم دارد و فرهنگ باید متحول شود...^۲
در جای دیگر می فرمایند:

«آنچه بعد از انقلاب بر شما معلمین و همه قشرهایی که سمت تعلیم و تربیت را دارند وظیفه است و لازم، اینکه این مغزهایی که در طول پنجاه و چند سال حکومت جائرانه و سلطه اجانب باید بگویم غرب زده شدند، نجات بدهید، اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا کند نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاهها باید طرح بشود.»^۳

۲. ایجاد روحیه اعتماد به نفس

اعتماد در لغت به معنی تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی، وثوق و اطمینان و اعتماد به نفس به معنای اتکاء به خود و به خویشتن متکی بودن می باشد.^۴

ماهیت اعتماد به نفس

از میان همه موجودات انسان تنها موجود زنده ای است که از نیروی تفکر برخوردار است. وی می تواند از طریق تمرین و تقویت این نیرو خویشتن را شایسته زیستن کند و به شناخت

۱. تبیان، دفتر بیست و ششم، ص ۲۹

۲. همان، ص ۷۸.

۳. همان، ص ۸۲.

۴. فرهنگ معین

حقایق دست یابد و یا با عدم توجه به آن سودی عایدش نگردد.

یکی از مسؤولیتهای مهم انسان در زندگی این است که هرچه بیشتر خود را به شناخت متعهد بداند و درک و فهم و در نتیجه عمل که به وسیله انتخاب وی صورت می‌گیرد به سوی سودمندی سوق داده شود و بالعکس هرچه باعث دوری وی از هدف زندگی می‌شود اجتناب کند.

انسان در اینجا دارای انتخاب است و اساسی‌ترین انتخاب آن است که مستقیماً در قلمرو اختیار قرار گیرد. فکر کردن یا فکر نکردن تمرکز یا تعلیق ذهن.

این انتخاب در سه شق اساسی معرفت‌شناسی روانی موجود است:

□ الف. انسان قادر است یک تمرکز بسیار قوی را در ذهن خود فعال سازد و آن را پایدار و فعال نماید، با این هدف که فهم خود را به میزان مطلوبی از دقت و بازدهی برساند و یا بالعکس آن را بدون استفاده و بدون هدف نگاه دارد.

□ ب. انسان دارای دو بعد شناخت و احساس است و می‌تواند بین آن دو تفاوت قائل شود و بگذارد که قضاوت او از عقل و نه از احساس او پیروی نماید و یا در عوض در زیر فشار احساسات عقل خود را به حالت تعلیق درآورد و تسلیم انگیزه‌ها درونی خود گرداند.

□ ج. انسان می‌تواند تحلیل مستقلی از میزان صحت یا سقم هر ادعا با درجه درستی و یا نادرستی هر موضوع نماید و یا حالت منفعلانه و غیرمنتقدانه‌ای در برخورد با عقاید و بیانات دیگران اختیار کند.

بنابراین اعتماد به نفس عبارت است از اعتماد انسان به ذهن و اندیشه خود در رابطه با ابزار شناخت. این اعتماد الزاماً انسان را از خطا مصون نمی‌دارد بلکه بر این نکته تأکید دارد که انسان شایستگی تفکر، قضاوت، دانستن را دارد و ملزم است با شناخت واقعیت از آن حداکثر استفاده ببرد.^۱

بیان مطلبی که در اینجا ضروری است تفاوت معنا در کاربرد این کلمه در حوزه دین و غیر دین است. معمولاً وقتی این کلمه در حوزه غیردین به کار برده می‌شود به معنای اعتماد شخص بر تواناییها و استعدادهای خود است. اما وقتی در دین به اعتماد به نفس توصیه

۱. براندن ناتانیل، روانشناسی حرمت نفس، ترجمه جمال هاشمیان، ص ۱۶۱

می شود، تنها سلب اعتماد از دیگران و تکیه بر خود کافی نیست بلکه علاوه بر آن انسان باید بر خداوند توکل کند و همه نیروها و توانایی های خود را از ذات لایزال الهی بداند. در این صورت خداوند او را یاری خواهد کرد و او را بی نیاز از غیر می گرداند «و من یتوکل علی الله فهو حسبه»^۱

نقش اعتماد به نفس در امور شخصی

یکی از موضوعات مهم در اسلام رابطه بین انسان و عمل وی می باشد از نظر اسلام سرنوشت انسان وابسته به عمل وی می باشد «لیس للانسان الا ما سعی»^۲
سیره پیامبر اسلام و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز همواره اعتماد و اتکاء به خود و توصیه این امر به دیگران بوده است.

پیامبر گرامی اسلام در حدیثی می فرماید هرگز از دیگران در کارها کمک نجوید و لو برای یک امر کوچکی باشد و لو برای اینکه مساواک از دیگران بخواید.^۳
همچنین پیامبر در جواب مرد فقیری که به توصیه نزدیکان برای درخواست کمک نزد آن حضرت آمد قبل از اینکه حرفی بزند، فرمود: هرکس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می کنیم ولی اگر بی نیازی بورزد و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند خداوند او را بی نیاز می کند، آن مرد با شنیدن این حرف قبل از اینکه حرفی بزند به خانه برگشت تا سه روز این واقعه تکرار شد، مرد احساس کرد کلید حل مشکلش را در همین جمله یافته است. وقتی که خارج شد با خود فکر کرد دیگر هرگز به دنبال کمک بندگان خدا نخواهم رفت. به خدا تکیه می کنم و از نیرو و استمدادی که در وجود خودم به ودیعت گذاشته شده استفاده می کنم و از او می خواهم مرا در کاری که پیش می گیرم موفق گرداند و مرا بی نیاز سازد. ابتدا با عاریه گرفتن تیشه ای برای تهیه هیزم به صحرا رفت و کم کم با درآمد حاصل از فروش هیزم آن را خریداری کرد. تا اینکه روزی رسول اکرم به او رسید و تبسم کنان به او فرمود: «نگفتم، هرکس از ما کمکی بخواهد به او کمک می دهیم ولی اگر بی نیازی بورزد، خداوند او را بی نیاز می کند».

۱. طلاق / ۳.

۲. نجم / ۳۹.

۳. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۲۸۱ به نقل از محدث قمی، کحل البصر، ص ۶۹.

نقش اعتماد به نفس در امور اجتماعی

اقبال فلسفه‌ای دارد که آن را فلسفه خودی می‌نامد او معتقد است شرف اسلامی هویت واقعی خود را که هویت اسلامی است از دست داده و باید آن را بازیابد.

وی معتقد است انسان گاهی دچار تزلزل شخصیت می‌شود از خود فاصله می‌گیرد و با خود بیگانه می‌گردد و به قول مولانا همانند شخصی است که در تاریکی شب مدت‌ها مصالح به کار می‌برد و خانه‌ای بنا می‌کند اما در صبحگاهان متوجه می‌شود که در زمین دیگران خانه ساخته.

در زمین دیگران خانه مکن کار خودکن کار بیگانه مکن

جامعه نیز همانند فردگاه دچار تزلزل شخصیت و از دست دادن هویت می‌گردد، ایمان به خود و حس احترام به ذات و کرامت نفس را از دست می‌دهد و یکسره سقوط می‌کند. و هر جامعه‌ای که ایمان خود را از دست بدهد سقوط می‌کند. اقبال معتقد است جامعه اسلامی در برخورد با تمدن غربی دچار بیماری تزلزل شخصیت و از دست دادن هویت شده است و نخستین کاری که مصلحان باید انجام دهند، تجدید حیات ایمان و اعتقاد مردم و بازگرداندن آنها به خویشتن خویش یعنی فرهنگ و معنویت اسلامی است.^۱

امام (ره) چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب همواره در امور شخصی متکی به خود بوده و هیچگاه منتظر دیگران نمی‌ماندند. در رابطه با تقویت روحیه ملی و از بین بردن خودکم‌بینی و اعطای روحیه اعتماد به همه اقشار جامعه مکرر این مطلب را متذکر می‌شدند که شما می‌توانید همه کاری انجام دهید به شرط اینکه اعتماد به نفس داشته باشید.

«شما خودتان جوانهایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام دهید، مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع کنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان را داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه «می‌توانیم» در رژیم سابق «نمی‌توانیم» را در بین همه قشرها شایع کردند و به همه گفتند ما «نمی‌توانیم»...»^۲

نقش اعتماد به نفس در پیروزی انقلاب به نظر امام خمینی

«و شاه مخلوع در منطقه نیرومندترین ژاندارم بود و پشتیبان او آمریکا و دیگر کشورهای وابسته به آن بودند و از حیث تجهیزات نظامی بسیار غنی بود با این همه ملت معظم ایران که

۱. مطهری، مرتضی، نهضت‌های صدساله اخیر، ص ۵۰.

۲. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۴۶.

فاقد قدرت نظامی و تجهیزات رزمی و حزبی بود با دست خالی و ایمانی قوی فراگرفته از اسلام و عزمی راسخ و اتکال به خدای تعالی و اعتماد به نفس در مدتی کوتاه به طور معجزه آسابت‌های تخیلی ساخته و پرداخته، غریزدگان را فروریخت و طومار ستمگریهای دو هزار و پانصدساله را درهم پیچید و بر اسطوره‌های تاریخ‌سازان و بت‌تراشان خط بطلان کشید.^۱

نقش اعتماد به نفس در پیروزی جنگ

زمانی که جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز شد، پیش‌بینی بسیاری از تحلیل‌گران و سیاستمداران این بود که به زودی جنگ به سود عراق پایان خواهد یافت اما گذشت زمان ثابت کرد ایمان به خدا و اتکاء به خود سلاحی است که بر پیشرفته‌ترین تجهیزات و ابزارآلات نظامی غالب است.

امام (ره) در پیامی به انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا می‌فرماید:

«... و مطمئن باشید که ملت بزرگ ایران راه خود را که همان صراط مستقیم الهی است یافته و در تمام ابعاد با آگاهی کامل در صحنه حاضر است و اجازه برگشت قوای کفر را به کشور خود نمی‌دهد و با جنگ و دندان از اسلام عزیز و کشور خود دفاع می‌کند و بحمدالله و با خواست خداوند تا جنگ‌افروزان را به جای خود می‌نشانند و تبهکاران وابسته را به انزوا می‌کشاند و مشکلات خود را هرچه باشد با همت و الای خود از سر راه جمهوری اسلامی برمی‌دارد، در جمیع جبهه‌ها پیروزمندانه به پیش می‌رود و با اتکال به خدای بزرگ و اعتماد به نفس از هیچ قدرتی هراس ندارد...»^۲

پرو. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

۳. دستیابی به عزت نفس

عزت در لغت به معنای ارجمندگشتن، گرمی داشتن و عزت نفس به معنی مناعت و شرافت است، راغب در مفردات می‌گوید: عزت یعنی حالتی که مانع شکست انسان می‌شود، «ارض عزاز» از همین ریشه است، یعنی زمین سخت و نفوذناپذیر که نوک کلنگ در آن کارگر نمی‌افتد؛^۳ و در اصطلاح عبارت است از احساس ارزشمند بودن.

۱. صحیفه نور، ج ۱۸

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۳. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۲۹۸.

تفاوت عزت نفس با اعتماد به نفس

اعتماد به نفس به معنی تکیه به خود در انجام کارها در مقابل اعتماد به دیگران می‌باشد اما عزت نفس میزان ارزشمندی شخص از خود است بنابراین عزت نفس انگیزه تلاش و فعالیت و میزان اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد.

شرایط عزت نفس

محققان دریافته‌اند که برای ایجاد عزت نفس در افراد بخصوص در کودکان و نوجوانان چهار شرط اساسی لازم است:

□ الف. احساس همبستگی.

این احساس زمانی به وجود می‌آید که فرد از پیوندهایی که برای او مهم هستند راضی باشد.

یکی از عوامل مهمی که باعث می‌شود در فرد احساس همبستگی به وجود می‌آید، پیوند وی با گروه‌های دارای علائق، هدفها یا میراث‌های مشترک از جمله هدفهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی می‌باشد.

□ ب. بی‌همتایی.

وقتی فرد بتواند صفات و ویژگیهایی که موجب تفاوت و تمایز او از دیگران می‌شود، بشناسد و به آنها احترام بگذارد و به سبب داشتن آن صفات مورد احترام و تأیید دیگران قرار گیرد احساس بی‌همتایی در وی به وجود می‌آید، مثلاً وقتی احساس کند فردی است خلاق و دارای قوه ابتکار.

□ ج. قدرت.

احساس قدرت وقتی به وجود می‌آید که فرد بداند قادر است بر شرایط زندگی خویش تأثیر بگذارد.

□ د. الگوها.

برای داشتن عزت نفس افراد باید به حد کافی الگوهایی از جمله الگوهای انسانی در اختیار داشته باشند تا آنها را به عنوان سرمشق، جهت ایجاد ارزشهای معنادار، هدفها، آرمانها و معیارهای شخصی به کار برند.^۱

۱. هریس کلمز امینه کلارک، رینولدبین، روشهای تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه: پروین علیپور، ص ۲۶.

۱. مسؤلیت پذیری

احساس ارزشمندی باعث ایجاد آمادگی در فرد جهت ایفای نقش مؤثر و پذیرش مسؤلیت در اداره امور جامعه می‌گردد.

۲. استقلال و عدم وابستگی به غیر

امام (ره) می‌فرماید:

«ما اگر سرسرفره نان جوین داشته باشیم، بهتر است تا در پارکهای بزرگ زندگی کنیم ولی از آنجا دستمان به طرف دیگران دراز باشد، شرافت این را اقتضا می‌کند.»

۳. شکوفا شدن استعدادها و توانایی‌ها و رسیدن به خودباوری

همان‌طور که وجود عزت نفس دارای فواید و پیامدهای مثبت زیاد است عدم آن خسارات و زیانهای جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه به وجود می‌آورد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. مسؤلیت‌گریزی

شخصی که احساس بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی یا کم‌لیاقتی می‌کند همواره از پذیرش مسؤلیت گریزان و منزوی و گوشه‌گیر است.

۲. تأثیرپذیری و خودباختگی در مقابل دیگران

افراد با عزت نفس پایین غالباً از نظر فکری تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند و دچار نوعی تزلزل فکری هستند.

۳. ممکن است دست به هر کاری بزنند.

امام هادی (ع) می‌فرماید: من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره، کسی که در نزد خود خوار شود (احساس کرامت و شخصیت اخلاقی نکند) از شر او ایمن مباش.

منبع عزت نفس از دیدگاه قرآن

عزت در آیات قرآنی به معنای صلابت، پیروزی بدون شکست، دست‌نیافتنی، سختی،

محبت و مردانگی به کار رفته است، قرآن کریم منبع عزت، را خداوند می داند:

«مَنْ كَانَ يَرِيدَ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً...» «هرکس عزت می خواهد همه عزت از آن خداست».^۱

همچنین در آیه دیگر عزت را از آن خدا و رسول خدا و مؤمنان واقعی می داند «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» «عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است».^۲
به همین دلیل عزت نفس از اصول اخلاق اسلامی است که به هیچ عنوان نباید خدشه دار گردد.^۳

در شعری که از امام صادق (ع) روایت شده آمده است:

من هیچ چیز را با نفس خود برابر نمی کنم، جز پروردگارش را، اگر بخواهم این را بدهم،
در برابر آن را می ستانم. به آنچه بگذرد (گذرا باشد)، اگرچه تمام دنیا باشد حاضر نیستم این
سرمایه خود را بدهم، من تمام ماسوی الله را با این گوهر برابر نمی کنم.
همچنین امام حسین (ع) می فرماید:

«موت فی عز خیر من حیاة فی ذل، مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است».

عزت نفس در کلام امام خمینی

امام (ره) همواره خواستار عزت و سربلندی همه اقشار ملت بود و پیوسته در سخنرانیها همه اقشار ملت را به استقلال و سرافرازی توصیه می کرد. در نطق تاریخی خود در بهشت زهرا فرمود:

«... من باید یک نصیحتی به ارتش بکنم... ما می خواهیم که شما مستقل باشید، ماها داریم زحمت می کشیم، ماها خون دادیم، ماها جوان دادیم، ماها حیثیت و آبرو دادیم، مشایخ ما حبس رفتند، زجر کشیدند. می خواهیم که ارتش ما مستقل باشد... ما باید مستقل باشیم، ملت می گوید: ارتش باشد مستقل باشد، ارتش نباید زیر فرمان مستشارهای آمریکا و اجنبی باشد...»^۴

۱. فاطر / ۱۰.

۲. منافقون / ۸.

۳. سیره اخلاقی امام خمینی، آموزش عقیدتی - سیاسی، ص ۱۰۵.

۴. صحیفه نور، ج ۵، ص ۸.

بررسی و مطالعه تاریخ صدساله اخیر ایران نشان می‌دهد مهمترین راه‌کارهای دخالت بیگانگان در این کشور از طریق نفوذ فرهنگی صورت گرفته است.

استعمار همواره سعی کرده است برای رسیدن به اهداف خود از راههای مختلف روحیه خودباختگی و خودکم‌بینی بین مردم ترویج کند که مهمترین این راهها عبارتند از: نفوذ در تعلیم و تربیت، ایجاد روحیه یأس بین مردم، سلب اعتماد افراد از خود از طریق تبلیغات وسیع و دامنه‌دار.

در مقابل خودباختگی مهمترین راه برای رسیدن به استقلال خودباوری است رهایی از فرهنگ استعماری، ایجاد روحیه اعتماد به نفس و پی بردن به عزت و کرامت نفس باعث خودباوری می‌گردند.

